سریال‌های شبکه دو در حالت احتضار

پایان فصل اول سریال «از سرنوشت» باعث شد تا ضمن مصاحبه با محمدرضا خردمندان، کارگردان فصل اول این سریال، در پرونده‌ای مفصل، سریال‌های شبکه دو را از ابتدای سال تا کنون بررسی کنیم

مرجان فاطمی
هفت صبح

همان‌طور که بارها در صفحه شبکه نوشته‌ایم، شبکه دو مدت‌هاست در سریال‌سازی ضعیف عمل می‌کند و در طول سال، جز یکی‌دو نمونه انگشت‌شمار، سریال موفق دیگری روی آنتن ندارد. در حال حاضر بعد از سریال «بر سر دوراهی» که نوروز ۹۸ روی آنتن رفت و اثری به‌نسبت پرمخاطب از آب درآمد، تا پیش از شروع پخش «از سرنوشت»، موفقیت چندانی در جلب رضایت مخاطبان نداشت. سریال‌های شبکه دو، از «دلدار» و «روزهای بی‌قراری ۲» گرفته تا «خانواده دکتر ماهان» و «سلام آقای مدیر» و «مرضیه» و «حکایت‌های کمال»، هرکدام در زمان پخش، جزو آثار ضعیف تلویزیون به‌حساب می‌آمدند و با انتقادهای فراوانی همراه بودند. حالا بعد از مدت‌ها این شبکه توانسته است با «از سرنوشت» مجددا خودش را احیا کند. درست است که «از سرنوشت» هم سریال درجه‌یکی نیست و ضعف‌های زیادی دارد اما وقتی آن را با سایر آثار شبکه دو از ابتدای سال تا کنون مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که می‌توان آن را به‌عنوان گامی موثر در این شبکه به حساب آورد. اواخر هفته گذشته، پخش فصل اول این سریال به کارگردانی محمدرضا خردمندان به پایان رسید. حالا از امشب، شاهد پخش فصل دوم آن، یعنی دوران نوجوانی این شخصیت‌ها خواهیم بود. هنوز نمی‌دانیم آیا در فصل دوم هم شاهد موفقیت فصل اول خواهیم بود یا سریال به سمت‌وسوی متفاوتی خواهد رفت؛ به‌هرحال در نقطه پایان فصل اول، در این پرونده، ضمن گفت‌وگو با محمدرضا خردمندان، مروری داریم بر ویژگی‌های مختلف سریال‌های شبکه دو از ابتدای سال تا الان.

پیش درآمد

یک ارزیابی کلی

شبکه‌های مختلف همزمان با «از سرنوشت»، چه سریال‌هایی روی آنتن فرستادند

زیر همکف / شبکه یک

شبکه یک از ۲۲ آذر، پخش سریال «زیرهمکف» را شروع کرد؛ سریالی کمدی که با وجود اینکه اثر موفقی نیست، توانست در دوره‌ای، کمبود سریال‌های کمدی تلویزیون را برطرف کند. «زیر همکف» از بازیگران شناخته‌شده‌ای استفاده نکرده بود و سعی داشت با انتخاب برخی چهره‌های جدید یا بازیگرانی که چندسال اخیر کمتر دیده شده‌اند، اثر قابل قبولی تولید کند. بازی بازیگران، یکی از بهترین نکات سریال بود اما مشکل اصلی، خامی پرداخت سوژه اصلی بود. سریال سوژه جالبی داشت اما بهمن گودرزی، کارگردان آن، موفق نشده بود با این سوژه، اثری جذاب تولید کند. موقعیت‌های سریال، همگی خام بودند و بیشتر از اینکه لبخند روی لب مخاطبان بیاورند، باعث می‌شدند احساس کنند که کارگردان آنها را دست کم گرفته است.

وارش / شبکه سه

در حال حاضر پرمخاطب‌ترین سریال تلویزیون است. بارها در صفحه شبکه درباره نقاط ضعف این سریال نوشته‌ایم اما مسئله مهم اینجاست که داستان این سریال، آنقدر باب طبع مخاطبان است که تحت هر شرایطی ترجیح می‌دهند آن را دنبال کنند. فاز سوم سریال «وارش» برخلاف دو فاز قبلی، چندان متمرکز روی داستان زندگی وارش نیست. در این فاز، وارد زندگی یوسف، پسر ناتنی وارش می‌شویم و مشکلات او را می‌بینیم. درواقع می‌توانیم بگوییم فاز سوم، داستان به‌جای وارش روی یوسف می‌گردد و از زاویه دید اصلی سریال خارج شده است. شاید می‌شد حتی این فاز را به صورت سریالی جداگانه روانه آنتن کرد. چون با توجه به پیچیدگی‌هایی که دارد، به‌عنوان یک اثر مستقل هم قابل قبول بود.

ملکاوان / شبکه آی‌فیلم

شروع قانع کننده‌ای داشت و در چندقسمت اول هم به نسبت موفق ظاهر شد. داستان درباره زنی است که همراه دوفرزندش به ایران می‌آید و به‌محض ورود به فرودگاه امام خمینی(ره) دستگیر می‌شود. او باید درباره خودکشی همسرش که یکی از نخبه‌های ایرانی بوده توضیح دهد. این مسئله باعث می‌شود که پای او به نهادهای امنیتی باز شود و مسئله از این بابت پیچیدگی بیشتری پیدا کند. از آنجایی که سریال برای شبکه آی‌فیلم ساخته شده و خیلی از مخاطبان نمی‌دانند شبکه آی‌فیلم سریال جدید هم روی آنتن می‌برد، هنوز مخاطبان آن به اندازه کافی بالا نیست. احتمالا با گذشت زمان و حساس‌ترشدن ماجرای سریال، بر میزان مخاطبان آن افزوده می‌شود. البته هنوز نمی‌توانیم به‌طور کامل درباره آینده سریال اظهارنظر کنیم.

قصه یک رفاقت کودکانه

«از سرنوشت»، دومین اثر محمدرضا خردمندان بعد از فیلم سینمایی «بیست‌ویک روز بعد» است. با این کارگردان درباره حال‌وهوای سریال، چگونگی کار با کودکان و ابعاد مختلف فصل اول سریال گفت‌وگو کرده‌ایم

سوسن سیرجانی | محمدرضا خردمندان، سال ۱۳۹۵ اولین فیلم سینمایی‌اش را با نام «بیست‌ویک روز بعد» کارگردانی کرد. این فیلم در جشنواره فجر سی‌وپنجم با استقبال زیادی روبه‌رو شد. او در آن فیلم هم تمرکزش را روی زندگی یک نوجوان گذاشت و مشکلات او را بر سر راه فراهم‌کردن پول داروی مادرش به تصویر کشیده بود. خردمندان این‌بار، محور سریالش را زندگی دو نوجوان پرورشگاهی قرار داده است؛ نوجوان‌هایی که از گذشته‌شان چیزی نمی‌دانند و باید به زندگی در محیطی جز خانواده خو بگیرند. فصل اول «از سرنوشت» به کارگردانی خردمندان، هفته گذشته به پایان رسید و از امشب، فصل دوم این سریال به کارگردانی «علیرضا بذرافشان» از شبکه دو پخش می‌شود. با مرور سریال‌های شبکه دو در چند وقت اخیر، شاید بتوانیم بگوییم شبکه دو با این سریال، بعد از مدت‌ها توانسته است خودش را احیا کند.

* * *

» بعد از فیلم موفق «بیست‌ویک روز بعد» در سال ۹۵، دیگر در سینما فعالیتی نداشتید. چه شد تصمیم گرفتید با تلویزیون همکاری کنید؟

تقریبا یک‌سال بعد از حضور فیلم «بیست‌ویک روز بعد» در سی‌وپنجمین جشنواره فجر، مشغول کار روی یک فیلمنامه دیگر بودم. در همان روزها قصه سریال «از سرنوشت» به من پیشنهاد شد. قصه‌ای که مربوط به فصل کودکی هاشم و سهراب بود و پایه و اساس بسیار خوبی داشت. از طرفی این داستان فراز و فرودهای یک رفاقت را بیان می‌کرد که من به‌نوعی ساخت آن را در فیلم «بیست‌ویک روز بعد» هم تجربه کرده بودم. با این تفاوت که رفاقت فیلم، میان دو نوجوان ۱۵ساله بود اما داستان «از سرنوشت»، قصه رفاقتی در سن ۱۰سالگی کاراکترها بود که می‌شد در بازه زمانی گسترده‌تری به آن پرداخت. فکر کردم مسیری را که در «بیست‌ویک روز بعد» شروع کرده‌ام، می‌توانم در این سریال ادامه دهم. همچنین چون خودم تجربه‌های زیستی غنی در حوزه رفاقت دارم، تصور می‌کردم که می‌توانم این قصه را به شکلی دوست‌داشتنی روایت کنم. باید این را هم بگویم که واقعا از میان قصه‌های زیادی که برای ساخت به دستم می‌رسید، فضای داستان «از سرنوشت» را دوست داشتم و من را درگیر کرد.

» فصل اول «از سرنوشت»، به کارگردانی شما دیشب به پایان رسید و فصل دوم به کارگردانی علیرضا بذرافشان از شنبه روی آنتن می‌رود. چرا فصل دوم را خودتان نساختید؟ فصل سوم هم به کارگردانی خود شما ساخته می‌شود. این مسئله باعث نمی‌شود ساختار سریال از یکدستی خارج شود؟

امیدوارم که کار یکدست باشد و قصه دچار دوزبانی یا دولحنی نشود. اما کلا با این ایده موافق بودم که ببینم سریال را هم می‌شود با چندکارگردان پیش برد یا نه؟ اصلا از ابتدا قرار بر این بود که سه کارگردان داشته باشیم که هرکدام یک فصل را کارگردانی کنند. به‌هرحال سریال‌سازی یک صنعت است. در دنیا هم می‌بینیم که یک سریال را چندکارگردان باهم کارگردانی می‌کنند و چقدر پرمخاطب است و اصلا تفاوت کارگردانی‌ها هم محسوس نیست. درباره تلویزیون ایران هم چون سیستم پخش سریال‌ها به‌صورت روزانه شده و آنتن خوراک زیادی برای پخش لازم دارد اگر کارگردانی بخواهد ۶۰قسمت یک سریال را به تنهایی کارگردانی کند، دوسال از عمرش پای کار می‌رود و همچنین تلویزیون باید دوسال صبر کند تا محصولی به دستش برسد. اگر این تجربه درباره سریال «از سرنوشت» جواب بدهد، شاید بتوان آن را در کارهای بعدی تلویزیون هم مورد استفاده قرار داد. به این شکل می‌توان در یک بازه زمانی کوتاه‌تر یک سریال بلند چندفصلی را تولید کرد اما بازهم می‌گویم که امیدوارم این تصمیم اتفاق خوبی باشد، نتیجه درستی بدهد و سریال دچار چندپارگی نشود.

» در ابتدای صحبت‌هایتان درباره ارادت شخصی به مسئله رفاقت گفتید. موضوع دیگری که وجود دارد اینکه شما تجربه موفقی در همکاری با کودکان در فیلم «بیست‌ویک روز بعد» داشتید. این‌بار مجددا سراغ بچه‌ها رفتید و داستانی درباره آنها روایت کردید؛ این به علاقه شما نسبت به دنیای کودکان برمی‌گردد یا شناخت زیادی که درباره آنها دارید؟

بیشتر از کودک، من جهان نوجوانان را می‌شناسم. این فضا و جهان برای من خیلی اورژینال است و فکر می‌کنم در سینما و تلویزیون باورپذیرتر از کار درمی‌آید. چون بچه‌ها خیلی نقش بازی نمی‌کنند و خودشان را زندگی می‌کنند. این موضوع، همذات‌پنداری بیشتری را در مخاطب برمی‌انگیزد. این تجربه فقط مربوط به «بیست‌ویک روز بعد» نمی‌شود، بلکه پیش از آن در کارهای فیلم کوتاهی که انجام دادم، تجربه کودک و نوجوان را زیاد داشتم. دقیقا یکی از دلمشغولی‌های من است و دوست دارم درباره مسائل خیلی جدی‌تری در این زمینه کار کنم که به آن کمتر پرداخته شده اما خب با ممیزی‌های فراوانی هم در تلویزیون و هم در سینما مواجه هستیم. همچنین این را هم باید توجه داشته باشیم که یکی از مغفول‌ترین اقشار جامعه ما نوجوانان هستند. حتی در تلویزیون واقعا سال‌هاست که هیچ کار شاخصی در زمینه نوجوانان انجام نشده.

» در صورتی که زمان کودکی و نوجوانی ما کارهای به نسبت موفق‌تری ساخته می‌شد.

به‌هرحال این پتانسیل وجود دارد اما کسی که آن را به فعل برساند نیست. از طرفی به‌نظر می‌رسد که خود تلویزیون هم عزم جدی برای این کار ندارد. البته «از سرنوشت» هم کار نوجوان صرف نیست چون درادامه کاراکترها بزرگ می‌شوند و داستان تا میان‌سالی آنها ادامه پیدا می‌کند.

» در مصاحبه‌ای گفته بودید که برای «از سرنوشت» مطالعه زیادی روی کودکان پرورشگاهی انجام دادید. این مطالعه چطور صورت گرفت؟

بله. در مسیر پیش‌تولید، به پرورشگاه‌های زیادی سر زدم و از نزدیک این بچه‌ها را دیدم. در کنار این مشاهدات مستقیم، بسیار درباره آنها خواندم و با روانشناس‌هایی که می‌شناختم درباره زندگی این بچه‌ها صحبت کردم. اطلاعاتی از پرستارهایی گرفتم که در پرورشگاه‌ها وظیفه مراقبت از این بچه‌ها را به‌عهده داشتند. فیلم‌های مستند و ویدئوهای آموزشی زیادی هم درباره آنها به‌دست آوردم و با دقت آنها را نگاه کردم. فکر می‌کنم اگر سریال تا همین‌جا توانسته باشد توجه بخش مهمی از مخاطبان را به مقوله بچه‌های پرورشگاهی برانگیزد، کار خودش را انجام داده است.

» انتخاب کودکان به چه صورت بود؟ فکر می‌کنید سهراب و هاشم(شخصیت‌های اصلی سریال)، توانسته‌اند نمونه‌های خوبی از کودکانی باشند که در این محیط بزرگ شده‌اند؟

ما از هر کانالی که می‌شد برای انتخاب بازیگر برای این دو نقش فراخوان دادیم. البته من از قبل برای نقش سهراب، راستین عزیزپور را که در فیلم سینمایی «بیست‌ویک روز بعد» برایم بازی کرده بود در ذهن داشتم اما چالش اصلی من نقش هاشم بود. اصرارمان بر این بود که باید کلی ویژگی‌های جذاب در شخصیتش داشته باشد.

» اتفاقا شخصیت هاشم کاملا درست و دقیق ساخته شده و بخش مهمی از احساسات سریال به‌خاطر این کاراکتر منتقل می‌شود.

از تعداد بسیار زیادی از بچه‌ها تست گرفتیم و به همه دستیارهای کارگردانان سپردیم، اگر کسی را می‌شناسند به ما معرفی کنند. یک‌روز به اتفاق سیدعلی هاشمی به دفتر فیلمسازی رضا میرکریمی رفته بودیم تا آرشیو تست‌های ایشان از بچه‌ها را که برای فیلم سینمایی قصر شیرین جمع‌آوری کرده بودند، ببینیم. همینطور که تست‌ها را می‌دیدم چشمم به بازیگر کودکی افتاد که حس کردم قبل‌تر جایی او را دیده‌ام. خوب که فکر کردم یادم افتاد در حاشیه جشنواره فیلم کودک و نوجوان او را در آسانسور جشنواره دیده بودم و خیلی از لحن و بیانش خوشم آمده بود. بعدتر فهمیدم یک فیلم سینمایی خوب هم به اسم «اسکی‌باز» بازی کرده است. در همان نگاه اول انتخابش کردم و یادم افتاده بود تمام شور و شوق، هیجان و شرارت‌های نقش هاشم یکجا در او جمع شده است.

» شما یک ویژگی خیلی خاص برای کاراکتر سهراب قرار دادید و او را شش‌انگشتی معرفی کردید اما در ادامه، استفاده چندانی از این موقعیت نکردید. طبیعتا کودک شش‌انگشتی، با معضلات زیادی در برقراری رابطه با دیگران مواجه است اما در سریال، چنین درگیری ذهنی‌ای را شاهد نیستیم. صرفا قصد داشتید یک تفاوت ایجاد کنید تا سهراب قابل شناسایی باشد؟

این موضوع یک نیاز دراماتیک برای قصه بوده که به‌عنوان همان نشانه‌ای برای شناسایی باید برای این شخصیت در نظر گرفته می‌شد تا مادر بتواند بعد از سال‌ها کودک خود را شناسایی کند. دلیل دیگر، استفاده از این ویژگی به‌دلیل مواجهه سهراب و الهام است. چون زنی که او را به سرپرستی می‌گیرد هم یک ضعف جسمانی (سوختگی صورت) دارد و هردوی این شخصیت‌ها روی هم اثر می‌گذارند.

» یعنی این ویژگی در فصل‌های بعد دیگر دیده نخواهد شد؟

نه دیگر این ویژگی را نخواهیم داشت چون این موضوع در زمینه گریم محدودیت‌های خیلی زیادی را به‌وجود می‌آورد. در نسخه اولیه فیلمنامه قرار بود تا انتها سهراب شش‌انگشتی باقی بماند اما از جایی به بعد دیگر به‌لحاظ گریم اجرایی نبود و واقعا بازیگر در بازی‌اش محدود می‌شد. در فصل دوم شخصیت‌ها وارد یک کارگاه می‌شوند و کارهای یدی زیادی را باید انجام بدهند که اگر قرار بود سهراب شش‌انگشتی باقی بماند خیلی سخت می‌شد.

» خب چطور می‌توانید یک‌مرتبه نشان دهید دیگر شش‌انگشتی نیست؟

علیرضا بذرافشان تصمیم گرفت که این موضوع را با نشان دادن یک عمل جراحی پلاستیک رفع کند و در فصل دوم می‌بینیم که دست سهراب حالت طبیعی می‌گیرد.

» داستان سریال از آزادی مه‌لقا و جست‌وجوی او برای پیداکردن پسرش شروع می‌شود. رازهایی کشف می‌شود و به‌دنبال مرگ مه‌لقا، جست‌وجو برای سهراب ادامه پیدا می‌کند. از یک‌جایی به بعد اما داستان وارد مسیر جدیدی می‌شود. زندگی سهراب و هاشم، وابستگی آنها به یکدیگر، ورود سهراب به خانه جدید و... آنقدر ماجرا دارد که مسئله تعقیب سهراب و علاقه او به یافتن پدر و مادرش تقریبا به حاشیه می‌رود. فکر نمی‌کنید داستان حالتی دوپاره پیدا کرده است؟

آن تلاطم و ماجراهایی که در قسمت‌های اولیه فصل اول دیدید ظاهرا از جایی به بعد فروکش می‌کند، اما از فصل دوم دوباره این مسائل پیش می‌آید و مخصوصا در فصل سوم، این موضوع به‌صورت جدی‌تر پیگیری خواهد شد. خواهیم دید که خیلی از اتفاق‌های فصل اول، زیربنای فصل سوم خواهد بود و ما به همه این موضوعات، فلاش‌بک خواهیم داشت.

» هم در فیلم سینمایی «بیست‌ویک روز بعد» و هم در سریال «از سرنوشت»، شخصیت‌های اصلی درگیر مشکلات گرانی داروی سرطان می‌شوند و به‌رغم تلاش‌هایی که می‌کنند نمی‌توانند این دارو را به‌دست بیاورند. به‌نظر می‌رسد این مسئله برای شما اهمیت زیادی دارد که آن را مجددا تکرار کرده‌اید؟

با توجه به سبک زندگی مدرن، کارخانه‌ای‌شدن غذاها و آلودگی‌های زیست‌محیطی که گریبان‌گیر همه ما شده است، محققین مدام هشدار می‌دهند که در ایران با سونامی سرطان روبه‌رو هستیم. در دهه‌های پیش اینقدر این معضل گسترده نبود، اما الان همه ما وقتی در حلقه اطرافیان خود نگاه می‌کنیم، می‌بینیم حتما یک سرطانی وجود دارد که حالا ممکن است در سنین مختلف باشد. با اینکه قصه سریال «از سرنوشت» را من ننوشته‌ام اما خودم کسی هستم که عزیز درجه اول زندگی‌ام، یعنی مادرم قربانی سرطان بوده است و از نزدیک شاهد پروسه رنج سرطان و مسائل پیرامون آن، مخصوصا مشکلات مالی و تهیه دارو بوده‌ام. بنابراین پرداختن به این موضوع، یک دغدغه مهم برای من است که فکر می‌کنم هیچ‌وقت کم‌رنگ نمی‌شود و از ذهنم بیرون نمی‌رود. سرطان موضوعی است که همیشه در پرداخت‌های ذهنی‌ام برای یک داستان، جایی را برای آن درنظر می‌گیرم تا بتوانم حرف‌هایی را که می‌خواهم بزنم.

» فصل سوم سریال در چه مرحله‌ای است؟ قرار است درباره چه بخشی از زندگی این شخصیت‌ها باشد؟

ما در اواخر مسیر فیلمبرداری فصل سوم هستیم و فکر می‌کنم تا یک‌ماه آینده به پایان برسد. شخصیت‌ها در فصل سوم به سن ۲۷سالگی می‌رسند و آن مقطع از زندگی هاشم و سهراب را خواهیم دید.

بله. در مسیر پیش‌تولید، به پرورشگاه‌های زیادی سر زدم و از نزدیک این بچه‌ها را دیدم. در کنار این مشاهدات مستقیم، بسیار درباره آنها خواندم و با روانشناس‌هایی که می‌شناختم درباره زندگی این بچه‌ها صحبت کردم

مادرم قربانی سرطان بوده است و از نزدیک شاهد پروسه رنج سرطان و مسائل پیرامون آن، مخصوصا مشکلات مالی و تهیه دارو بوده‌ام. بنابراین پرداختن به این موضوع، یک دغدغه مهم برای من است که فکر می‌کنم هیچ وقت کم‌رنگ نمی‌شود و از ذهنم بیرون نمی‌رود

سریال‌سازی در شرایط سخت و غیرایده‌آل

روایت محمدرضا خردمندان از دلیل همکاری با شبکه دو و سریال «از سرنوشت»

شبکه دو مدت‌هاست در زمینه سریال‌سازی، ضعیف عمل می‌کند و نسبت به شبکه‌های یک و سه، سریال‌های پرمخاطبی روی آنتن نمی‌فرستد. طبیعتا کارگردان‌هایی که قرار است با این شبکه کار کنند هم این مسئله را می‌دانند و شاید به همین دلیل تصمیم‌گیری برای ورود به عرصه سریال‌سازی در این شبکه برایشان سخت‌تر باشد. با محمدرضا خردمندان درباره دلیل پذیرش پیشنهاد ساخت سریال «از سرنوشت» برای شبکه دو صحبت کردیم و پرسیدیم که وقتی پیشنهاد دادند برای شبکه دو سریال بسازد، از سابقه سریال‌های این شبکه اطلاع داشته است یا خیر! و آیا نگران نبوده که سریالش آنطور که باید دیده نشود؟!

سریال‌سازی بعد از یک فیلم موفق

آن زمان که قصه به من پیشنهاد شد، واقعا به این مسائل فکر نمی‌کردم. البته حقیقتا خود من خیلی مخاطب سریال‌های شبکه دو نبوده‌ام و حتی نمی‌دانستم که چه مجموعه‌هایی در حال پخش دارد. اما براساس اصول فکری خودم وقتی می‌دانم که می‌توانم کاری را درست انجام بدهم تا احساسی را برانگیزد و مخاطب‌های خودش را پیدا کند، آن کار را انجام می‌دهم. خیلی به این حواشی فکر نمی‌کنم. حتی درباره «بیست‌ویک روز بعد» باید اشاره کنم که این فیلم در حوزه هنری ساخته شد، جایی که مدت‌ها بود فیلم پرمخاطب نداشت اما فیلم دیده شد. کلا احساس می‌کنم کار خوب راه خود را پیدا می‌کند.

میزان مخاطب «از سرنوشت»

اگر سریال از شبکه سه، با کنداکتور ۲۰:۴۵ شب و به‌صورت اچ‌دی پخش می‌شد می‌توانست مخاطب گسترده‌تری داشته باشد. چون براساس آمار میدانی که دارم پیش‌فرض این است که مردم همیشه در زمان روشن‌کردن تلویزیون شبکه را روی سه قرار می‌دهند. در کنار این، سریال‌های ضعیفی که به گفته شما مدتی از شبکه دو به روی آنتن رفتند هم بی‌تاثیر نیستند. درواقع رساندن این پیام به مردم که سریالی با توانایی جذب مخاطب دارد از شبکه دو پخش می‌شود، خودش کار سختی بود. اما حالا و با دیدن بازخوردهای سریال فکر می‌کنم «از سرنوشت» توانست از تمام شرایط سخت و غیر ایده‌آلی که برای پخش وجود داشت، عبور کند و جای خودش را بین مردم باز کند. یا حداقل پس از اتمام فصل اول، آمار دانلودهای سریال بسیار بالا رفته است چون به‌هرحال کار دهان‌به‌دهان منتقل می‌شود و مخاطبش را درنهایت پیدا می‌کند. البته امیدوارم اصلا کار خوبی بوده باشد.

شباهت به بچه مهندس

خیلی‌ها آن اوایل گفتند «از سرنوشت» شباهت زیادی با سریال «بچه مهندس» دارد. اما من اصلا سریال «بچه مهندس» را ندیده‌ام. زمانی هم که درباره شباهت‌های این‌دو صحبت شد ما درحال ساخت فصل اول سریال بودیم و ترجیح دادم که برای اینکه اثری از آن کار نپذیرم، «بچه مهندس» را نبینیم. چون می‌خواستم فقط فضای ذهنی خودم را پیاده کنم. البته یک یا دو قسمت ابتدایی این موضوع مطرح بود اما از یک‌جایی به بعد دیگر شباهت‌ها از بین رفت و دیگر درباره این مسئله صحبتی نشد. درادامه هم که وارد فاز فصل دوم و سوم می‌شویم که اصلا شبیه هیچ سریال دیگری نخواهد بود.

قبول کن ضعف داری

بررسی ۹ سریال تلویزیونی که از ابتدای سال ۹۸ روی آنتن شبکه دو رفته‌اند

شبکه دو از ابتدای سال، سه سریال مناسبتی، دو سریال تکراری و دو سریال با موضوع کودک و نوجوان روی آنتن فرستاده است. البته علاوه بر دو سریال «حکایت‌های کمال» و «از سرنوشت»، سریال «خانواده دکتر ماهان» هم از جنبه‌هایی می‌تواند در گروه سریال‌های کودک و نوجوان قرار بگیرد. در مجموع از میان ۹ سریالی که از ابتدای سال روی آنتن رفته، شاید بتوانیم با اغماض فقط دو سریال «بر سر دوراهی» و «از سرنوشت» را جزو آثار پرمخاطب این شبکه به حساب بیاوریم. البته هردوی این سریال‌ها هم با انتقادهایی روبه‌رو هستند و نمی‌توان نام درجه یک را رویشان گذاشت. در این بخش مروری داریم بر حال وهوای سریال‌هایی که از نوروز ۱۳۹۸ تا همین حالا روی آنتن رفته‌اند. در هر مورد ضمن بیان موضوع سریال، نقاط قوت و ضعف آنها را بررسی کرده‌ایم و آنها را از نقطه نظر میزان موفقیت و توانایی جلب مخاطب مورد ارزیابی قرار داده‌ایم. آیا می‌توانیم بگوییم شبکه دو از ابتدای سال در سریال‌سازی استاندارد عمل کرده است؟

شبکه دو از ابتدای امسال، دو سریال تکراری روی آنتن فرستاده است. مینی‌سریال «بین خودمون بمونه» و سریال «نوار زرد»، پیش‌تر از شبکه دو پخش شده بودند و امسال در باکس اصلی روی آنتن رفتند.

02

شبکه دو تا قبل از سریال «از سرنوشت»، ۳۳شب، آنتن‌اش را با سریال «حکایت‌های کمال» پر کرد. سریالی به کارگردانی قدرت‌الله صلح‌میرزایی که یکی از ضعیف‌ترین سریال‌های این شبکه از ابتدای سال بود.

33

سریال «از سرنوشت»، در ۵۰قسمت تولید شده. فصل اول آن در ۱۸قسمت، روی آنتن رفت. از امشب فصل دوم آن به کارگردانی علیرضا بذرافشان روی آنتن می‌رود و تولید فصل سوم آن‌هم به کارگردانی خردمندان به پایان رسیده است.

50

از میان سریال‌هایی که از ابتدای سال روی آنتن شبکه دو رفته، سه سریال «بر سردوراهی»، «دلدار» و «مرضیه»، جزو آثار مناسبتی بوده‌اند. غیر از «برسر دوراهی» که سریال مناسبتی نوروز بود، دو سریال دیگر موفقیتی در جلب مخاطب نداشتند.

03

دارا حیایی، پسر امین حیایی، بعد از اینکه با بازی در فیلم سینمایی «شعله‌ور» به کارگردانی حمید نعمت‌الله به مخاطبان معرفی شد، در نقش نوجوانی سهراب در «از سرنوشت» هم بازی کرده

02

بر سر دو راهی

بهرنگ توفیقی

در چه بازه زمانی پخش شد تعطیلات نوروز ۱۳۹۸

موضوع سریال داستان «بر سر دوراهی» درباره پسری است از طبقه پایین جامعه که به دلایلی سر از زندگی پیرزنی ثروتمند درمی‌آورد و بعد از آشنایی با خانواده او، زندگی‌اش دستخوش تغییر می‌شود و ...

نقطه قوت حامد عنقا خیلی خوب جنس مخاطبان ایرانی را می‌شناسد و فیلمنامه‌هایش معمولا مخاطبان را از همان قسمت‌های ابتدایی درگیر می‌کنند. داستان این سریال هم در جلب مخاطبان موفق بود. ضمن اینکه بازی خوب حمید گودرزی و مهراوه شریفی‌نیا از جمله برگ برنده‌های «بر سر دوراهی» به‌شمار می‌رفت.

نقطه ضعف سوژه اصلی سریال، جدید نبود و همه ما بارها فیلم و سریال‌هایی مشابه آن دیده بودیم. می‌توانستیم حدس بزنیم در انتها به کجا می‌رسد و از این جهت هیجان ویژه‌ای نداشت. ضمن اینکه شاید اکثر مخاطبان ترجیح می‌دهند در ایام نوروز، سریال کمدی تماشا کنند و یک سریال ملودرام مطابق میلشان نباشد.

میزان موفقیت بر طبق آمار اپلیکیشن تلوبیون از قسمت دوم، رتبه اول پربازدیدترین سریال را به خود اختصاص داد و این جایگاه تغییر نکرد.

حاشیه حاشیه زیادی نداشت فقط بارش باران و جاری شدن سیلاب در تهران، باعث شد گروه تولید «بر سر دوراهی» از زمان‌بندی ساخت این سریال عقب بیفتند.

خانواده دکتر ماهان

راما قویدل و علی‌محمد قاسمی

در چه بازه زمانی پخش شد خردادماه بعد از پایان سریال رمضان شروع شد.

موضوع سریال زندگی خانوادگی یک دکتر دامپزشک و مشکلاتی که با آن مواجه می‌شود.

نقطه قوت با یک سریال خانوادگی ساده روبه‌رو بودیم که از یک طرف قصد داشت روی همبستگی خانواده و نقش رفتارهای والدین در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان تاکید کند و از طرف دیگر از برخی مشکلات و خطراتی که محیط زیست را تهدید می‌کند، پرده بردارد. اگر پرداخت خوبی داشت شاید می‌توانست اثر قابل قبولی باشد.

نقطه ضعف سریال، ریتم کندی داشت و داستان آن تا حدودی قابل حدس بود. در برخی قسمت‌ها، برای اینکه آموزه‌هایی را به خانواده‌ها منتقل کند، شعاری می‌شد و تغییر و تحول شخصیت‌ها در آن خیلی سریع و آنی رخ می‌داد.

میزان موفقیت آنطور که باید در جلب رضایت مخاطبان موفق نبود. قسمت اول «خانواده دکتر ماهان» در تلویزیون اینترنتی تلوبیون فقط ۱۴هزار بازدید داشت. این میزان تا قسمت پنجم به ۱۱هزار بازدیدکننده رسید و در قسمت هشتم و نهم به ۹هزار بازدیدکننده تقلیل یافت که رقم چندان بالایی نیست.

حاشیه خیلی بی‌سروصدا روی آنتن رفت و به پایان رسید. زمان پخش هم با حاشیه خاصی روبه‌رو نبود.

مرضیه

فلورا سام

در چه بازه زمانی پخش شد مرضیه به‌عنوان سریال مناسبتی ماه محرم ساخته شد و شهریور ۱۳۹۸ روی آنتن شبکه دو رفت.

موضوع سریال داستان سریال درباره موضوع باور بود. یک مرد خبرنگار با ورود به یک اتفاق عجیب، از دنیا می‌رفت و حالا همسرش با گره‌ها و ابهامات زیادی درباره مرگ او و اطرافیانش مواجه می‌شد.

نقطه قوت به نسبت سایر سریال‌های فلورا سام، تا حدودی موفق‌تر بود اما با وجود برخی نوآوری‌ها که البته تعدادشان زیاد هم نبود نمی‌توانیم آن را یک سریال مناسبتی موفق بنامیم.

نقطه ضعف نقطه ضعف اکثر سریال‌های مناسبتی محرم، مشابهت آنها به یکدیگر است. در اکثر آنها یک تکیه عزاداری محور قرار می‌گیرد و ماجراها زیر سایه این تکیه رخ می‌دهد. اینجا هم با همین شرایط روبه‌رو بودیم. بازی‌های اغراق‌شده برخی بازیگران، تعلیق‌های ساده و گره‌گشایی‌های عجولانه و پایان قابل حدس، از جمله نکات منفی این سریال بود.

میزان موفقیت سریال «مرضیه» در زمان پخش جزو آثار پرمخاطب تلویزیون نبود و موج خاصی هم به‌راه نینداخت.

حاشیه «مرضیه» آخرین سریال زنده‌یاد مجید اوجی بود. این تهیه‌کننده چندماه بعد از پخش سریال به کارگردانی همسرش، دار فانی را وداع گفت.

روزهای بی‌قراری ۲

کاظم معصومی

در چه بازه زمانی پخش شد بعد از تعطیلات عید

موضوع سریال زنی به نام سارا برای یافتن خانواده و هویت واقعی‌اش عازم تبریز می‌شود و ...

نقطه قوت در این سریال یک فرش نفیس به‌عنوان نماد فرهنگ اصیل ایرانی محور درام بود و همه اتفاق‌ها به آن ختم می‌شد. سازندگان تصمیم داشتند از دل یک قصه، حرف‌های مهمی درباره فرهنگ، انسان‌دوستی، عقوبت عمل، اصالت و... بزنند. ایده‌شان جای تحسین داشت اما در پرداخت موفق از آب درنیامده بود. بازی افسانه بایگان در نقش یک زن مستأصل را می‌شد نقطه قوت «روزهای بی‌قراری» دانست.

نقطه ضعف مشکل اصلی سریال «روزهای بی‌قراری ۲» به ریتم کند، قصه کشدار و دیالوگ‌های گل‌درشت و شعاری آن برمی‌گشت. هرچه به انتهای سریال نزدیکتر می‌شدیم، میزان این شعارها بیشتر می‌شد.

میزان موفقیت سریال در قسمت‌های ابتدایی به‌نسبت مخاطبان بیشتری داشت. قسمت اول آن، ۳۴هزار و ۱۸۷ بازدید داشت اما میزان بازدیدها در قسمت دوم به ۲۰هزار و ۶۸۸ رسید. سیر نزولی مشاهده سریال ادامه یافت تا جایی که در قسمت هفتم ۱۱هزار بازدید داشت. در قسمت‌های بعد میزان بازدید «روزهای بی‌قراری» بین هشت تا ۱۰هزار بود. قسمت آخر سریال تا ساعت ۱۷ روز گذشته، پنج‌هزار و ۶۵۱ بار مشاهده شد.

حاشیه حاشیه خاصی نداشت.

سلام آقای مدیر

علیرضا توانا

در چه بازه زمانی پخش شد اواخر تیرماه شروع شد و تا مرداد ادامه داشت

موضوع سریال داستان درباره مردی به نام امیر صدراست که پس از درگذشت همسرش در یک سانحه تصادف، دچار افسردگی شدید می‌شود و با توصیه یکی از آشنایان به‌صورت موقت به‌عنوان مدیر در مدرسه کوچک و قدیمی مشغول به کار می‌شود.

نقطه قوت سریال نقطه قوت خاصی نداشت.

نقطه ضعف بدون اینکه در ایام سوگواری قرار داشته باشیم، شب‌های تابستان، شاهد یک سریال بسیار تلخ بودیم. یک مدیر مدرسه افسرده که مدام خاطرات همسرش را مرور می‌کند و همراه مادر بیمارش غصه می‌خورد و دنبال مشکلات زندگی بچه‌های مدرسه می‌رفت. روزبه حصاری، بازی موفقی از خودش به نمایش نگذاشت و کسالت و تلخی این سریال باعث شد کسی برای تماشای آن ترغیب نشود.

میزان موفقیت سریال آنقدر تلخ بود و روی فضای ذهنی و مرور خاطرات تکیه داشت که بخش مهمی از مخاطبان در قسمت‌های اول نتوانستند ارتباط خاصی با آن برقرار کنند. در تلویزیون اینترنتی تلوبیون، میزان بازدید قسمت‌های مختلف این سریال به طور متوسط بین پنج تا هفت هزار نفر بود و این در مقایسه با سریال‌های پرمخاطب، واقعا شکست بزرگی است.

حاشیه سریال به‌طور کلی دیده نشد و حاشیه خاصی هم نداشت.

حکایت‌های کمال

قدرت‌الله صلح‌میرزایی

در چه بازه زمانی پخش شد آبان و آذر امسال روی آنتن شبکه دو بود.

موضوع سریال داستان سریال براساس مجموعه‌داستان «حکایت‌های کمال» نوشته محمد میرکیانی ساخته شده بود و داستان‌های کوتاه درباره یک نوجوان به نام کمال بود.

نقطه قوت در زمان پخش سریال هم بارها به این نکته اشاره کردیم که شاید اگر «حکایت‌های کمال» در ساعتی غیر از ساعت ۲۱:۳۰ روی آنتن می‌رفت و از ابتدا ذکر می‌شد سریالی مخصوص گروه سنی کودک و نوجوان است، می‌توانستیم آن را اثر متوسطی در این حوزه بنامیم اما مشکل اصلی اینجا بود که این سریال به هیچ‌وجه مناسب پخش برای مخاطبان بزرگسال نبود.

نقطه ضعف درباره نقاط ضعف این سریال بارها در همین صفحه نوشته‌ایم. از غیرمنطقی بودن فضای سریال و شلختگی جلوه‌های ویژه گرفته تا بازی بد بازیگران و نامشخص بودن اپیزودها و... همگی باعث می‌شد تحمل سریال برای مخاطبان خیلی سخت باشد.

میزان موفقیت این سریال حدود دوماه روی آنتن بود اما موج خاصی ایجاد نکرد اما بازهم به نسبت خیلی از سریال‌های شبکه دو، بیشتر دیده شد. میزان بازدیدهای آن در تلوبیون، به طور متوسط ۲۰هزار بود.

حاشیه حاشیه به‌خصوصی نداشت.

دلدار

برادران محمودی

در چه بازه زمانی پخش شد ماه رمضان ۱۳۹۸

موضوع سریال قتل ناخواسته یک جوان به‌خاطر سوءتفاهم باعث بروز اختلافات عجیبی شد و...

نقطه قوت تا اواسط سریال «دلدار» گمان می‌کردیم با اثری کاملا متفاوت و جدید روبه‌رو هستیم. نمی‌توانستیم حدس بزنیم مسیر سریال به چه سمتی می‌رود. ریتم این سریال نسبت به سریال قبلی برادران محمودی یعنی «سایه‌بان»، سریع‌تر بود و مخاطبانش را اذیت نمی‌کرد.

نقطه ضعف سریال روی یک الگوی کاملا قابل حدس پیش رفت و بدون اندکی خلاقیت، به پایان رسید. بازی‌ها آنطور که باید قابل قبول نبودند و تعلیق‌های سریال بسیار ساده و کودکانه به‌نظر می‌رسید.

میزان موفقیت بین سریال‌های ویژه ماه رمضان یعنی «برادرجان» و «از یادها رفته»، سریال «دلدار» مخاطب کمتری داشت و در رسانه‌ها هم آنطور که باید خبرساز نشد. میزان بازدیدهای این سریال در تلویزیون اینترنتی تلوبیون حدود ۵۰هزار بود.

حاشیه زمان پخش دلدار، اعتراض مالک ترانه قطعه «جورچین» محسن چاوشی در تیتراژ سریال، بحث داغ رسانه‌ها شد. بازی شخصیت خواهر پژمان هم یکی دیگر از حاشیه‌های جالب این سریال بود. او تا نیمه‌های سریال، فقط روی تخت نشسته بود و تلفنی با پدرش حرف می‌زد.

نوار زرد

پوریا آذربایجانی

در چه بازه زمانی پخش شد سریال «نوار زرد»، مهر سال ۱۳۹۵ از شبکه دو پخش شد اما شبکه دو مهر امسال بعد از سه‌سال، مجددا آن را روی آنتن فرستاد.

موضوع سریال داستان یک سرگرد آگاهی به نام کاوه کیهان را روایت می‌کند که گره پرونده‌های جنایی را باز می‌کند و در این میان به پرونده‌ای برمی‌خورد که کشف واقعیت آن، پای زندگی شخصی‌اش را به میان می‌کشد و ...

نقطه قوت و ضعف شاید صحبت کردن درباره نقاط قوت و ضعف یک سریال تکراری، بعد از گذشت سه‌سال از پخش اولیه، چندان کار درستی نبا[illegible] آنتن برد و [illegible] است دربار[illegible] دیگر، اثر ب[illegible] پلیس پیش[illegible] سریال د[illegible] می‌کرد.

میزان م[illegible] [illegible] جزو آثار پر[illegible] مخاطب ز[illegible]

حاشیه [illegible]

از سرنوشت

محمدرضا خردمندان

در چه با[illegible] [illegible] تا اواسط هف[illegible]

موضوع [illegible] [illegible] که به‌خاطر [illegible] می‌شود و...

نقطه قو[illegible] [illegible] که از ابتدای [illegible] شخصیت‌پر[illegible] رفاقتشان ان[illegible]

نقطه ضع[illegible] [illegible] به آن اشاره [illegible] درست با آزا[illegible] به داستان ز[illegible] طبق گفته [illegible] سریال را ببی[illegible]

میزان مو[illegible] [illegible] اما بازهم خو[illegible]

حاشیه [illegible]